

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی

(۱۳۶۸-۱۳۵۷)، با تأکید بر عاملیت رهبری

علی ساعی*، مهسا اسداله‌نژاد^۲

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹)

چکیده

در این مقاله فرایند شکل‌گیری دولت در دهه نخست عصر جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۸)، با تکیه بر عاملیت رهبری مطالعه شده است. مدعای این تحقیق آن است که پس از فروپاشی نظم قانونی گذشته در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، فرایند دولت‌سازی با محوریت عاملیت رهبری برای نگارش قانون اساسی ۱۳۵۸ شروع شد و دوگانگی بدنه اجرایی در قانون اساسی تعبیه شد. سؤال این مقاله به این صورت بیان شده است که «عاملیت آیت‌الله خمینی در فرایند شکل‌گیری دولت بعد از انقلاب ۱۳۵۷ چگونه بود؟». مطابق با مدعای نظری این متن دولتی که بعد از انقلاب ساخته شد، قابل تطبیق با ویژگی‌های یک دولت تام کیفی است که در آن امکان بوروکراتیزه شدن، به معنای حکم‌رانی قوانین فارغ از مداخلات شخصی، به حداقل می‌رسد و از سوی دیگر برقراری ارتباط با جامعه پیوسته به اشکال مختلف صورت می‌پذیرد. این متن

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*saeia@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0001-8799-9264>

به‌لحاظ روش‌شناسی، بر رویکرد ترکیبی استوار است که داده‌های تاریخی در دو سطح درون‌موردی و بین‌موردی تحلیل شده است. در تحلیل درون‌موردی به تحلیل روایی پنج دوره از فرایند شکل‌گیری دولت در دوره معین تاریخی پرداخته‌ایم و در تحلیل بین‌موردی چگونگی شکل‌گیری دولت تام‌کیفی را با رویکرد علیت‌همابندی تبیین علی کرده‌ایم. شواهد نشان می‌دهد که در دو دوره اول شکل‌گیری دولت امکان حرکت به سمت دولتی دموکراتیک با مشارکت اکثریت نیروهای درگیر انقلاب بیشتر از دوره‌های بعد بوده است. در دوره اول عاملیت رهبری از منظری وحدت‌بخش به همه نیروهای انقلاب محقق می‌شود و عاملیت قانون‌گذارانه رهبری از دوره سوم به بعد آشکارا قانون‌گذارانه می‌شود. پس از بازنگری در قانون اساسی ویژگی‌های دولت تام‌کیفی با اقتداری دوگانه که برآمده از شکاف در خود قوه مجریه است، تکمیل می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دولت تام‌کیفی، عاملیت کاریزما - حاکم، عاملیت کنشگران سیاسی، عاملیت کنشگران اجتماعی، شبکه اجتماعی، رویکرد ترکیبی.

مقدمه

موضوع این تحقیق ناظر بر فرایند شکل‌گیری دولت^۱ با تکیه بر عاملیت رهبری در دهه اول بعد از انقلاب ۱۳۵۷ است. منظور از فرایند شکل‌گیری دولت در اینجا فرایند شکل‌گیری قانون اساسی و قوه مجریه است که می‌بایست استقرار بیابند. در این متن دولت از منظر مشروعیت حاکمیت یا آن چیزی که در ادبیات نظری جامعه‌شناسی دولت با عنوان آپاراتوس^۲ شناخته می‌شود، بررسی شده است (Jessop, 2016). براساس دوره تاریخی معین شده، با دقت تأسیس یک قانون اساسی جدید روبه‌رو هستیم که در آن تعریف خاصی از حکومت، دولت در معنای قوه مجریه یا همان بدنه اجرایی و جایگاه قوا در نظم قانونی مستقر ارائه داده می‌شود، در مسیر ساخت دولت تنش‌هایی صورت می‌گیرد و به ضرورت بازنگری در قانون اساسی منجر می‌شود.

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

مدعای این تحقیق آن است که پس از فروپاشی نظم قانونی گذشته در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، فرایند دولت‌سازی با محوریت عاملیت آیت‌الله خمینی برای نگارش قانون اساسی ۱۳۵۸ شروع و دوگانگی بدنه اجرایی^۳ در قانون اساسی تعبیه^۴ شد. این دوگانگی به وقوع تنش‌هایی تعیین‌کننده در ساخته شدن قوای حاکم در فاصله قانون اساسی جدید تا شورای بازنگری قانون اساسی در ۱۳۶۸ منجر شد. براساس شواهد تاریخی می‌توان گفت کنشگران سیاسی درگیر در ساخت دولت درک متفاوتی از حاکمیت داشتند. نیروهای باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی^۵ حاکمیت را از آن خداوند می‌دانستند. پشتوانه مردمی این حاکمیت در «مرجعیت» آیت‌الله خمینی نمود می‌یافت و آن‌ها آیت‌الله خمینی را نماینده پیوند خوردن حاکمیت الهی با پشتوانه مردمی می‌انگاشتند (بهداروندیانی، ۱۳۹۶). برای نیروهایی که به نقش قانون‌گذارانه ولایت فقیه باور نداشتند، حاکمیت مردم با گنجاندن اصول مرتبط با ولایت فقیه در قانون اساسی در معرض خطر قرار می‌گرفت. در دوره‌های بازرگان و بنی‌صدر این نیروها می‌کوشیدند با فشار بر قوه مجریه و محوریت قرار دادن آن از دستاوردهایی که برآمده از حاکمیت مردم می‌دانستند، یعنی از حضور فعالانه احزاب آزاد و مطبوعات آزاد در صحنه سیاسی تا امکان مشارکت آن‌ها در شکل‌دهی به قوای حاکم حراست کنند (ر.ک به داده‌های همین متن).

سؤال تحقیق را می‌توان به این صورت بیان کرد: عاملیت آیت‌الله خمینی در فرایند شکل‌گیری دولت، قانون اساسی و قوای حاکم، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ چگونه بود؟

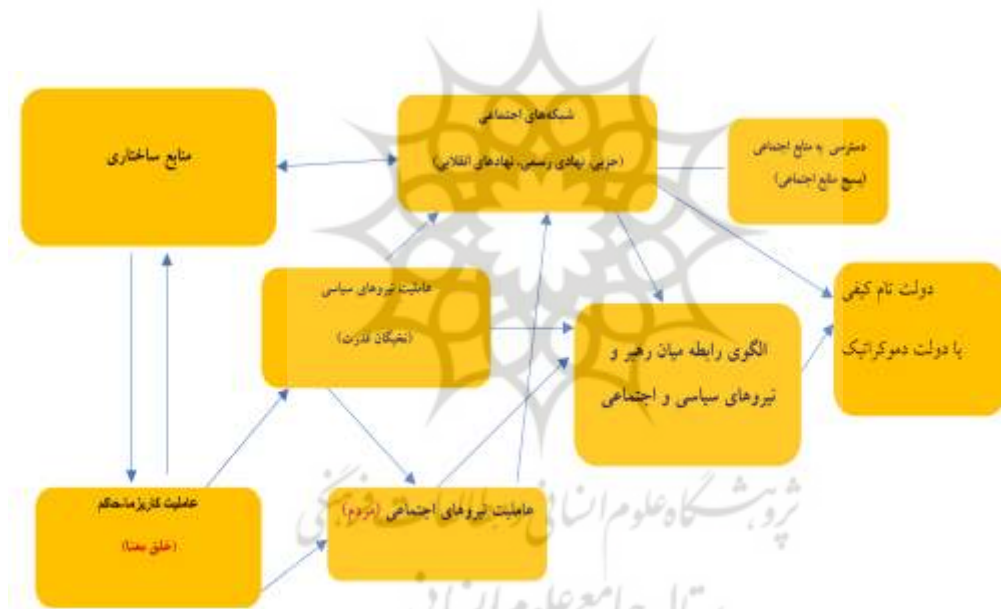
دستگاه نظری

رویکرد نظری این تحقیق بر نظریه دولت تام کیفی (Schmitt, 1931, 1933, cited in McCormick, 2016) استوار است. در این شکل از شکل‌گیری دولت، بنابر نظر کارل اشمیت، حاکم که واجد قدرت بیشتری نسبت به کاریزما در اندیشه ماکس وبر است، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری دولت ایفا می‌کند. در نظریه کاریزما، نهایتاً این بوروکراسی و قانون است که بر کاریزما غالب می‌شود (Beetham, 1985). اما حاکم به واسطه قدرت تصمیم که منحصرأ از آن برخوردار است نخست قانون اساسی را در مشروعیتی که از مردم می‌گیرد، می‌سازد و در واقع تبلور قدرت سازنده مردم می‌شود و آن‌گاه در قوانینی که می‌بایست پس از برپایی قانون اساسی به سامان جامعه پردازند، نقشی مداخله‌گرایانه و فعال بازی می‌کند. به تعبیر دیگر در نظریه دولت حاکم هرگز بوروکراسی به معنای وبری کلمه شکل نمی‌گیرد. باین‌حال، حاکم همواره و با شکل‌گیری نهادهایی که مشروعیت قانون اساسی را در جامعه بازتولید کرده و جامعه را در وضعیت جنبشی و در حال حرکت مداوم در نسبت با حاکم نگه می‌دارند، به حکمرانی می‌پردازد (Stolleis, 2004). وضعیت جنبشی در نظریه دولت تام کیفی ناظر به وضعیتی است که نقش مردم یا همان کنشگران اجتماعی تنها در جهت تأیید تصمیمات حاکم فعال شود، اما دولت تام کیفی ناظر بر ویژگی‌های دولت است.

در این تحقیق برای تبیین فرایندهایی که به شکل‌گیری چنین دولتی منجر می‌شوند، از رویکرد نظری شبکه‌محور بهره گرفته شده است. شبکه اجتماعی شرایط لازم را برای تولید و استفاده از منابع ارزشمند فراهم می‌کند. این شبکه می‌تواند متراکم (بسته) یا غیرمتراکم (باز) باشد. شبکه اجتماعی ماهیت اتصال‌دهنده و پیونددهنده دارد و به توزیع و بسیج منابع کمک می‌کند. شبکه ساختاری اجتماعی است که از گره‌ها و پیوندهای بین کنشگران تشکیل شده است. گره‌ها می‌توانند در یک حادثه پدیدار شوند و هم‌زمان

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
 نشانگر پیوندهایی باشند که بین کنشگران مختلف ساخته شده است. این گره‌ها نقش
 مهمی در دستیابی افراد به قدرت سیاسی دارند. عضویت در شبکه‌های اجتماعی، دارایی
 ارتباطی تولید می‌کند که این دارایی به سهم خود فرصت دستیابی افراد به منابع
 ارزشمند را در فرایند شکل‌گیری دولت آسان می‌سازد (Lin, 2008, 2005, 1982) به نقل
 از ساعی، (۱۳۹۹).

با الهام از نظریه دولت تام کیفی و رویکرد شبکه‌محور و با بهره‌گیری از دستگاه
 نظری ساعی (۱۴۰۰) دستگاه نظری تحقیق صورت‌بندی شده است.



شکل ۱: مدل نظری

مدعای نظری این تحقیق آن است که شکل‌گیری دولت از طریق ترکیب چندگانه
 شروط علی عاملیت کاربزمناحکم - حاکم (A)، منابع ساختاری (B)، عاملیت کنشگران
 سیاسی (C1)، عاملیت کنشگران اجتماعی (C2) و شبکه روابط اجتماعی (D) رخ

می‌دهد. براساس مدل نظری این تحقیق، الگوی رابطه میان رهبر و کنشگران سیاسی و اجتماعی و نوع شبکه روابط اجتماعی^۶ به شکل‌گیری دولت تام کیفی یا دولت دموکراتیک در ساختار سیاسی منجر می‌شود. مراد از دولت دموکراتیک حضور حداکثری کنشگران سیاسی در قوای حاکم و گردش آزاد نخبگان در قدرت به همراه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی اعم از آزادی احزاب و آزادی روزنامه‌هاست.

در این تحقیق دو مسیر شکل‌گیری دولت فرض شده است: اگر عاملیت رهبری با عاملیت «همه» کنشگران سیاسی در مسیر ساخت دولتی با شبکه‌سازی اجتماعی افقی پی گرفته شود، دولتی دموکراتیک، به معنای امکان مشارکت سیاسی همه کنشگران سیاسی، ساخته می‌شود و اگر عاملیت رهبری با عاملیت «برخی» از کنشگران سیاسی در مسیر ساخت دولتی با شبکه‌سازی اجتماعی عمودی پی گرفته شود، دولتی منطبق با دولت تام کیفی ساخته می‌شود. در حالت اول عاملیت رهبری از منظر معنوی و وحدت‌بخش به همه نیروهای انقلاب درگیر شکل‌گیری دولت است و بر برگزاری انتخاباتی آزاد و امکان شرکت همه طرفداران کنشگران سیاسی و حضور آزاد احزاب و روزنامه‌ها تأکید می‌شود و در حالت دوم عاملیت رهبری از منظر قانون‌گذارانه همراه با برخی از نیروهای انقلاب درگیر شکل‌گیری دولت است و بر برگزاری انتخاباتی کنترل‌شده و امکان برگزاری تظاهراتی کنترل‌شده و متکی به شبکه‌سازی‌های اجتماعی عمودی به جای حضور آزادانه احزاب و روزنامه‌ها تأکید می‌شود.

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

چارچوب روش تحقیق

در این قسمت مفاهیم موجود در مدل نظری تعریف عملی و معرف‌های تجربی هر یک از مفاهیم تعیین شده‌اند. سپس درباره روش تحقیق، واحدهای تحلیل، واحدهای مشاهده و اعتبار تحقیق بحث شده است.

عاملیت کاریزما - حاکم: مفهوم کاریزما می‌تواند با مفهوم حاکمیت در نسبت قرار بگیرد؛ به این معنا که کاریزما از قدرتهای بنیادگذار یک حاکم بهره‌مند شود. حاکمیت به معنای «اقتدار مشروع» است و حاکم کسی است که بتواند فرمان بدهد و فرمان نبرد. اقتدار مشروع در سنت نظری وبری و اشمیتی به خلق معنا گره می‌خورد. حاکم می‌بایست بتواند معنا خلق کند. در متن حاضر دلالت مصداقی کاریزما - حاکم، روح‌الله خمینی و مصداق تجربی عاملیت در معنای انتخاب‌های استراتژیک^۷ ناظر بر خلق معنا از طریق صدور فرمان، بیانیه، پیام، فتوا و سخنرانی توسط آیت‌الله خمینی است.

منابع ساختاری: دلالت‌های مصداقی منابع ساختاری، نگارش قانون اساسی و بازنگری آن، ساخته‌شدن نهادهای قوه مجریه (با تأکید بر کابینه‌ها)، قوه قضائیه، قوه مقننه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام‌اند. از آنجایی که رئیس‌جمهور موقعیت مهمی در نمایندگی حاکمیت مردمی اتخاذ می‌کند و کاریزما نیز در این تحقیق نماینده پیوند خوردن حاکمیت مردمی و الهی است، ارتباط بقیه قوا از منظر این دو قوه بررسی می‌شود. منابع ساختاری می‌توانند به نیروهای مخالف فرصت مشارکت سیاسی بدهند و یا این فرصت را از آنها بگیرند.

عاملیت کنشگران سیاسی: مراد از کنشگران سیاسی، نیروهایی‌اند که در زمان انقلاب ۱۳۵۷ در هیئت احزاب و گروه‌های سیاسی فعالیت داشتند (بشیریه، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۲) و

با بیانیه‌ها، برگزاری جلسات، راهپیمایی‌ها و تلاش برای مشارکت در انتخابات‌های گوناگون، در پی شکل‌دهی به مسیر شکل‌گیری دولت بعد از انقلاب با فعال کردن عاملیتشان بوده‌اند. از دید تحقیق حاضر دو دسته نیروی سیاسی مهم بعد از انقلاب فعال بودند که هر یک با تصمیمات و مواضع استراتژیک خود در پی آن بودند تا هژمونی (غلبه فرهنگی) خود را حاکم کنند و نهادها را مطابق با آن بسازند. در اینجا دلالت‌های مصداقی این عاملیت دو دسته احزاب باورمند به اسلام‌گرایی فقاهتی و بنابراین باورمند به نقش قانون‌گذارانه ولایت فقیه و غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقاهتی و نقش قانون‌گذارانه ولایت فقیه‌اند. عمده‌ترین احزاب فعال در دسته اول: حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، فداییان اسلام‌اند. عمده‌ترین احزاب فعال در دسته دوم: سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق، جبهه ملی و احزاب منشعب از آن، نهضت آزادی، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، جاما و جنبش مسلمانان مبارزند. بقیه گروه‌های کوچک‌تر غالباً در مواقع انتخابات با این احزاب و گروه‌ها همراه می‌شوند.^۸

عاملیت کنشگران اجتماعی: در این تحقیق دلالت مصداقی کنشگران اجتماعی شهروندانی‌اند که عاملیت آنان از طریق حضور در راهپیمایی‌ها، انتخابات‌ها، نمازهای جمعه و جلسات سخنرانی و شرکت در رفراندوم تغییر رژیم و تعیین و بازنگری قانون اساسی تحقق یافته است.

شبکه‌های اجتماعی: در مطالعه شبکه اجتماعی واحد تحلیل یک رابطه است. در اینجا شبکه روابط در سه سطح مطالعه شده‌اند: رابطه حزبی، رابطه در قالب نهادهای انقلابی، و رابطه نهادی رسمی.

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

شبکه‌های اجتماعی در این تحقیق در ارتباط با دو دسته نیروی سیاسی مطرح می‌شوند که هر یک می‌کوشند به واسطه شبکه‌ها مردم خود را جهت مشروعیت‌بخشی به پروژه هژمونیک شکل‌دهی به دولت مطلوب خود سامان‌دهی کنند. دلالت مصداقی منبع ارتباطی برای نیروی سیاسی باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی در شبکه‌های اجتماعی عمودی متبلور می‌شود و این خود بر دو نوع است: سازمان‌یافته، و غیرسازمان‌یافته. نوع سازمان‌یافته در نهادهای انقلابی که با فرمان آیت‌الله خمینی تشکیل و «جوشیده از بطن ملت» خوانده می‌شدند^۹، تبلور می‌یابند.^{۱۰} نوع غیرسازمان‌یافته با شرکت در انتخابات‌های کنترل‌شده، راهپیمایی‌ها و نماز جمعه‌ها مشخص می‌شود. دلالت مصداقی منبع ارتباطی برای نیروی سیاسی غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی در احزاب و مطبوعات آزاد، برگزاری انتخابات و فراندوم آزاد و همین‌طور برگزاری تظاهرات و جلسات ایمن و شبکه‌های اجتماعی افقی مشخص می‌شود.

روش تجربه: این تحقیق موردمحور است. بعد از تحلیل درون‌موردی، تحلیل بین‌موردی صورت خواهد گرفت. تحلیل موردمحور یعنی این تحقیق ناظر بر رابطه مجموعه‌ای^{۱۱} است که بر تحلیل روابط مجموعه‌ای^{۱۲} تمرکز دارد. مفهوم کلیدی رابطه مجموعه‌ای، مفهوم زیرمجموعه^{۱۳} است. اگر تئوری می‌گوید عاملیت کاریزما - حاکم به همراه منابع ساختاری شروط لازم شکل‌گیری دولت تام کیفی‌اند، در شروط کافی باید به عللی پرداخت که به‌تنهایی نمی‌توانند به شکل‌گیری دولت تام کیفی منجر بشوند (Ragin, 2008; ساعی، ۱۳۹۲).^{۱۴}

تحلیل در دو سطح انجام شده است: تحلیل درون‌دوره‌ای با استفاده از تکنیک تحلیل روایتی و تحلیل بین‌دوره‌ای با تحلیل تبیینی یا علی انجام شده است. برای تبیین علی از علیت همایندی چندگانه^{۱۵} استفاده شده که در آن ترکیب‌های مختلف شروط علی ممکن

است نتیجه معین^{۱۶} را تولید کنند. مفهوم چندگانه بر مسیرهای علی مختلف دلالت دارد. مفهوم همبندی^{۱۷} به این اشاره دارد که هر مسیر از ترکیبی از شروط علی تشکیل شده است (Ragin & Rihoux, 2009؛ ساعی، ۱۳۹۲). علاوه بر این تکنیک، از تکنیک تحلیل روایتی تاریخی^{۱۸} نیز برای روایت مدارهای سیاسی^{۱۹} و فرایندهای خاصی که به تولید معلول منجر شده‌اند، استفاده شده است. در تحقیق ما که پنج شرط علی حضور دارد، ترکیب علی برابر است با $F=ABC, C_2D$. به این معنا که حضور شرط علی A وقتی که با چهار شرط علی B، C₁ و C₂ ترکیب شده باشد، به نتیجه معین منجر می‌شود.

واحد تحلیل: در این تحقیق واحد تحلیل مبتنی بر دوره‌های تشکیل بدنه اجرایی دولت از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ است که از چهار دوره دولت‌سازی تشکیل شده است. این دوره‌ها در قسمت تحلیل تجربی آمده است.

تحلیل تجربی توصیفی

نقطه آغازین این تحقیق، ۲۳ دی ۱۳۵۷ است که در این لحظه تاریخی، رهبر انقلاب ۱۳۵۷ فرمان تشکیل شورای انقلاب را صادر کرد.^{۲۰} در ۲۱ دی ۱۳۵۷ شاپور بختیار توسط نمایندگان مجلس بیست و چهارم به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. هم‌زمان با شکل‌گیری دولت بختیار، شورای سلطنت نیز تشکیل شد. در واکنش به این حادثه، آیت‌الله خمینی در ۲۳ دی همان زمان شورای انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد و همه نهادهای حکومت پهلوی، دولت بختیار، شورای سلطنت، مجلس نمایندگان و مجلس سنا را «غیرقانونی» می‌خواند. در فرمان تشکیل شورای انقلاب آیت‌الله خمینی از ارتش خواسته است از کودتای احتمالی جلوگیری کند و وظیفه شورای انقلاب را آماده کردن اوضاع برای یک دولت انتقالی خوانده است و درعین‌حال از مردم می‌خواهد که به

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

تظاهرات و اعتصابات خود ادامه دهند^{۲۱}. رهبر انقلاب در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران باز می‌گردد و در ۱۶ بهمن فرمان تشکیل دولت موقت را توسط مهدی بازرگان صادر می‌کند. در این فرمان دولت موقت سه وظیفه دارد: برگزاری رفراندوم، تشکیل مجلس مؤسسان و مجلسی منتخب از نمایندگان ملت.^{۲۲} در ۱۹ بهمن دولت بازرگان با به‌کار انداختن وزارت خارجه از طریق کارکنان اعتصابی و تعیین سفیر، «تقاضای شناسایی جهانی» می‌کند. در عین حال مذاکرات بازرگان با افسران ارشد ارتش از سر گرفته می‌شود. در همان روز بار دیگر مردم «راهپیمایی رأی اعتماد به بازرگان» صورت می‌دهند. در این راهپیمایی مردم حمایت خود را از دولت موقت بازرگان اعلام می‌کنند و در قطع‌نامه‌ای که از سوی جامعه روحانیت مبارز خوانده می‌شود این راهپیمایی به نام راهپیمایی رأی اعتماد به بازرگان نام‌گذاری می‌شود و مردم از ارتش می‌خواهند تا از دولت بازرگان پشتیبانی کند.^{۲۳} شورای عالی ارتش در عصر ۲۲ بهمن ماه با صدور بیانیه‌ای اعلام می‌کند که نظام شاهنشاهی در ایران منقرض شد و راه برای استقرار رژیم جمهوری هموار شد.^{۲۴}

رفراندوم تغییر رژیم سلطنتی به رژیم جمهوری اسلامی در ۱۱ و ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به شیوه‌ای که شورای انقلاب مشخص کرده است و با پرسشی بسته به این شکل که جمهوری اسلامی، آری یا نه، برگزار می‌شود. آیت‌الله خمینی پیش از برگزاری رفراندوم با مهدی بازرگان که از جمهوری دموکراتیک اسلامی سخن گفته بود مخالفت و از جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم‌تر و نه یک کلمه بیشتر دفاع می‌کند. در نهایت با وجود مخالفت احزاب مختلفی چون جبهه ملی، حزب خلق مسلمان، چریک‌هایی فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق^{۲۵}، انتخابات به صورت بسته و بدون پرسش باز از چستی رژیم آینده برگزار می‌شود.

آیت‌الله خمینی در ۱۲ فروردین با صدور پیامی خطاب به ملت ایران تشکیل جمهوری اسلامی ایران را رسماً اعلام می‌کند و این روز را روز «حکومت الله» می‌خواند.^{۲۶}

میان دولت و شورای انقلاب درباره چگونگی برگزاری مجلس بررسی قانون اساسی اختلاف وجود دارد. دولت اما نمی‌خواهد به نظر شورای انقلاب مبنی بر تشکیل مجلسی مشورتی (خبرگان) تمکین کند.^{۲۷} یدالله سبحانی وزیر مشاور دولت در امور طرح‌های انقلاب در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸ اعلام می‌کند که شکل‌گیری مجلس مؤسسان منتفی است و مجلسی «مشورتی» با حضور تقریباً چهل نفر تشکیل می‌شود که مجلس مؤسسان خواهد بود.^{۲۸} با اعلام شکست دولت از شورای انقلاب، مخالفت‌ها شدت می‌گیرد.^{۲۹} سبحانی در ۲۶ خرداد نیز بیان می‌کند که هم آیت‌الله خمینی در مورد پیش‌نویس قانون اساسی نظراتی دارند و هم مجلس می‌تواند پیش‌نویس را تماماً رد کند.^{۳۰}

با وجود مخالفت‌ها و درگرفتن ندای تحریم از سوی نیروهای غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی در صورت برپایی مجلسی مشورتی به جای مجلس مؤسسان با حضور نمایندگانی از اقشار مختلف ملت^{۳۱}، آیت‌الله خمینی در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ در دیدار با جامعه و عاظ تهران بر تبدیل مجلس مؤسسان به مجلس خبرگان (مجلسی مشورتی) صحه می‌گذارد و می‌گوید مجلسی که تشکیل می‌شود، کاری ندارد جز آنکه قانون اساسی را رنگی اسلامی ببخشد.^{۳۲} انتخابات ۱۲ مرداد و با وجود انصراف برخی از نیروهای غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی، چون نامزدهایی از جبهه ملی، برگزار می‌شود.^{۳۳} اعتراض به نتایج انتخابات قابل توجه است، چراکه اکثریت برگزیدگان از حزب جمهوری اسلامی‌اند. در ۲۳ مرداد حزب به همراه ۲۸ گروه مؤتلف اسلام‌گرایش، بیانیه‌ای به نشانه پیروزی قاطع در انتخابات منتشر کرده و از اعتماد مردم به لیست کاندیداهای برگزیده امام تشکر می‌کند.^{۳۴} آیت‌الله خمینی نیز در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ نتایج

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
انتخابات را تأیید کرده و طی نگارش نامه‌ای به مجلس خبرگان قانون اساسی از ایشان
می‌خواهد که قانون اساسی را «صددرصد» اسلامی کنند و توجه به پیشنهادهای مخالف
اسلام را خارج از حدود وکالت نمایندگان برمی‌شمرد.^{۳۵}

مجلس خبرگان قانون اساسی در ۲۸ مرداد با حضور ۷۵ نماینده کار بررسی
پیش‌نویس را براساس فرمان آیت‌الله خمینی آغاز می‌کند تا آن را اسلامی کند. در این
مجلس اختیارات رئیس‌جمهور در اصول ۹۰، ۹۳، ۹۵ و ۱۴۰ پیش‌نویس قانون اساسی
تماماً جزو اختیارات ولی فقیه، ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی جا می‌گیرد. همین‌طور اصل
۵ به قانون اساسی افزوده می‌شود که مطابق با آن در زمان غیبت ولی عصر ولایت امر و
امامت امت به فقیه عادل، باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر واگذار می‌شود.
درعین‌حال براساس اصل ۵۷ قانون اساسی قوای مقننه، مجریه و قضائیه تحت امر او
قرار می‌گیرند و مطابق با اصل ۶۰ قانون اساسی رئیس‌جمهور قوه مجریه را با رهبری
شریک می‌شود (صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۳: جلد ۱ و ۲).

دوره دولت موقت با پذیرش استعفای مهدی بازرگان در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ از سوی
آیت‌الله خمینی پایان یافت. بازرگان در اعتراض به نداشتن اختیارات کافی در دولت و
مداخله مستمر نهادهای انقلابی، از جمله کمیته‌ها، سپاه، شورای انقلاب و دانشجویان
پیرو خط امام، از سمت خود کناره گرفت (بازرگان، ۱۳۶۲) و اداره امور برای برگزاری
رفراندوم قانون اساسی، انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس شورای ملی از
سوی آیت‌الله خمینی به شورای انقلاب واگذار شد.^{۳۶} رفراندوم قانون اساسی در ۱۱ و
۱۲ آذر ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب و به‌رغم همه مخالفت‌هایی که با گنجاندن اصول
مرتبط با ولایت فقیه در قانون اساسی از سوی احزاب غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی
صورت می‌پذیرد^{۳۷}، برگزار می‌شود و نتیجه آن را آیت‌الله خمینی در ۲۳ آذر امضا

می‌کند.^{۳۸} به این ترتیب اولین مرحله شکل‌گیری دولت با تأسیس قانون اساسی جدید محقق می‌شود.

از ۲۹ آذر ۱۳۵۸ ثبت‌نام در انتخابات اولین دوره ریاست‌جمهوری آغاز می‌شود.^{۳۹} آیت‌الله خمینی با صدور فتوایی در ۲۹ دی ۱۳۵۸ اعلام می‌کند که هر کس در فراندوم قانون اساسی رأی نداده باشد، نمی‌تواند نامزد ریاست‌جمهوری شود و به این ترتیب مسعود رجوی، کاندیدای حزب مجاهدین خلق از انتخابات کناره‌گیری می‌کند.^{۴۰} ۵ بهمن انتخابات برگزار و ۸ بهمن پیروزی ابوالحسن بنی‌صدر قطعی می‌شود. آیت‌الله خمینی در ۱۵ بهمن ریاست‌جمهوری بنی‌صدر را تنفیذ می‌کند.^{۴۱}

اولین انتخابات مجلس شورا در ۱۶ بهمن ۱۳۵۸ بنا بر مصوبه شورای انقلاب دو مرحله‌ای اعلام می‌شود، به نحوی که تنها کسی که اکثریت رأی را از مجموع رأی‌دهندگان به‌دست آورده باشد می‌تواند صاحب کرسی‌ای در مجلس شود. به‌رغم مخالفت‌های احزاب غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی به انتخابات دومرحله‌ای^{۴۲}، اولین دوره آن در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ و دومین دوره آن در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ برگزار می‌شود. باوجود اعتراضات بسیار نسبت به تقلبات گسترده در مناطق مختلف، آیت‌الله خمینی نتایج انتخابات را تأیید می‌کند و از نمایندگان می‌خواهد که ضمن حرکت در مسیر اسلام خوفی از چپ و راست نداشته باشند.^{۴۳} مجلس در ۷ خرداد ۱۳۵۹ بازگشایی می‌شود. دومرحله‌ای بودن انتخابات مجلس شورا از یک‌سو و اعتراضات به نتایج انتخابات از سوی دیگر^{۴۴}، رئیس‌جمهور را رویاروی حزب جمهوری اسلامی و مؤتلفان باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی قرار داد. او هم با برگزاری انتخابات دومرحله‌ای مخالف بود^{۴۵} و هم پس از انتخابات کمیته‌ای را برای بررسی به شکایات تشکیل داد که گزارششان نه منتشر شد و نه اثری بر روند شکل‌گیری مجلس گذاشت.^{۴۶}

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

بعد از تشکیل مجلس، آیت‌الله خمینی در ۲۹ تیرماه طی صدور فرمانی به مجلس از ایشان می‌خواهد تا تنها به نخست‌وزیری انقلابی و مکتبی رأی بدهند و در این باره مقابل رئیس‌جمهور نیز نرمش نکنند.^{۴۷} در نهایت با وجود ناکامی رئیس‌جمهور در معرفی نامزد خود به مجلس^{۴۸}، محمدعلی رجایی نامزد مرجح حزب جمهوری اسلامی به مجلس از سوی رئیس‌جمهور معرفی می‌شود و در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد و این درحالی است که بر اختلاف میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر حتی نمایندگان مجلس نیز صحنه گذاشتند.^{۴۹}

مجادله بر سر شکل‌دهی به کابینه بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر شدت می‌یابد. دولت رجایی در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ با رأی اعتماد از مجلس و با هفت وزارت‌خانه خالی که محل مجادله با رئیس‌جمهور است، شروع به کار می‌کند.^{۵۰} این کابینه ناتمام تمام ماه‌های باقی‌مانده از همکاری رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را در تنشی مداوم فرو می‌برد. رجایی خود را متعهد می‌داند که تنها کسانی را در سمت‌های کلیدی بنشانند که در عمل ملتزم به ولایت فقیه و در نهادهای انقلابی مشغول به فعالیت‌اند.^{۵۱} این درحالی است که بنی‌صدر نزدیکی قابل‌توجهی به سازمان مجاهدین خلق و ملی‌گرایان دارد و همواره تلاش کرده است تا نهادهای انقلابی را تحت تصمیم‌گیری دولت قرار دهد.

بنی‌صدر علاقه بسیاری داشت که علت ناتمامی کابینه را آشکارا اعلام کند. در سخنرانی‌های متعددی خطاب به عموم مردم اختلافات را بیان می‌کرد. دو سخنرانی مهم او در سال ۱۳۵۹ در ۱۷ شهریور، سالروز کشتار رژیم شاه در میدان ژاله، در دانشگاه تهران^{۵۲} و در ۲۸ آبان، روز عاشورا، در میدان امام حسین برگزار می‌شود.^{۵۳} در این سخنرانی‌ها او ضمن اشاره به تنگ‌نظری‌های حزب جمهوری اسلامی، از وجود شکنجه در زندان‌ها سخن گفت و همین امر خشم شورای عالی قضایی و حزب و متحدانش را

برانگیخت. آیت‌الله خمینی بارها بنی‌صدر را از آشکار کردن اختلافات برحذر می‌دارد^{۵۴} و عدم توجه بنی‌صدر موجب می‌شود آیت‌الله بنا بر گفته هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس، نسبت به حمایت از بنی‌صدر بی‌رغبت شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵).

حادثه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ نقطه اوج بحران بود. بنی‌صدر به مناسبت سالگرد مرگ مصدق در دانشگاه تهران سخنرانی می‌کند و الگوی حکم‌رانی خود را الگوی مصدق می‌انگارد و تیغ تند انتقاداتش را به سمت مخالفانش در قوای حاکم می‌گیرد.^{۵۵} میان هواداران او، میلیشیای مجاهد و فدایی، با هواداران نخست‌وزیر، اعضای سپاه پاسداران و کمیته‌ها، درگیری شدیدی صورت می‌پذیرد. آیت‌الله در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ با صدور فرمانی ۱۰ ماده‌ای که در آن دستور داده بود یک هیئت حل اختلاف سه‌نفره برای از بین بردن مسائل حل‌ناشدنی، از جمله انتخاب وزیر برای وزارت‌خانه‌های باقی‌مانده، تشکیل شود، می‌کوشد تا شدت تنش را کاهش دهد. این هیئت شامل یک نماینده از آیت‌الله، مهدوی کنی، یک نماینده از بنی‌صدر، آیت‌الله اشراقی، و یک نماینده از رجایی، محمدعلی یزدی بود. در این فرمان آیت‌الله خمینی بی‌طرفی را نسبت به طرف‌های درگیر حفظ کرده و خواهان پای‌بندی همه احزاب و همه مسئولان به قانون اساسی شده بود و بنا بر آن گذاشته بود که در صورت تخلف و تعدی هر کس از وظایف قانونی‌اش، موضوع مورد بررسی قضائی واقع شود.^{۵۶}

بنی‌صدر بعد از حادثه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، از نخست‌وزیر و مشاورش در امور اجرایی، بهزاد نبوی به دادسرای عمومی تهران به سبب نقض اصول قانون اساسی در خصوص آزادسازی گروگان‌ها پیش از موافقت رئیس‌جمهور شکایت می‌کند.^{۵۷} این شکایت تنش درون قوه مجریه را به مرحله قضائی می‌رساند. در برابر، هیئت دولت دو لایحه مهم را برای کاهش اختیارات رئیس‌جمهور به مجلس می‌برد: (۱) لایحه سرپرستی

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

وزارت‌خانه‌های بی‌وزیر به دست نخست‌وزیر و ۲) لایحه لغو فرمان همایونی که مطابق با آن رئیس‌جمهور دیگر نمی‌توانست رئیس کل بانک مرکزی را تعیین کند.^{۵۸} به دنبال صدور اطلاعیه دادستانی کل انقلاب جهت تحدید فعالیت احزاب و روزنامه‌ها در ۲۰ فروردین ۱۳۶۰^{۵۹} تنش رئیس‌جمهور با شورای عالی قضائی شدت می‌یابد. او از سوی رئیس دیوان عالی کشور متهم به نقض قانون و دخالت در امور مرتبط با قوه قضائیه می‌شود.^{۶۰} به این ترتیب تقریباً در پایان اردیبهشت ۱۳۶۰ رئیس‌جمهور تماماً روبه‌روی دولت، مجلس و شورای عالی قضائی‌ای که همگی در ید قدرت باورمندان به اسلام‌گرایی فقاهتی قرار دارد، قرار می‌گیرد. بنی‌صدر در ۳۰ اردیبهشت در یک مصاحبه مطبوعاتی از لزوم برگزاری رفراندوم میان خود و قوای حاکم سخن می‌گوید و به این ترتیب تنش را به سطح جدی‌تری هدایت می‌کند.^{۶۱} آیت‌الله خمینی در ۶ خرداد ضمن مخالفت با سخن او، کسی را که به قانون مصوب مجلس و شورای نگهبان تمکین نمی‌کند، مفسد فی‌الارض می‌خواند^{۶۲} و هیئت حل اختلافی که به فرمان امام تشکیل شده بود، در ۱۱ خرداد رئیس‌جمهور و روزنامه‌های انقلاب اسلامی (روزنامه رئیس‌جمهور)، میزان (روزنامه نهضت آزادی)، آرمان ملت و پیام جبهه ملی را متخلف معرفی می‌کند.^{۶۳}

در ۱۷ خرداد ۱۳۶۰ دادستان انقلاب تهران روزنامه‌های انقلاب اسلامی، میزان و پیام جبهه ملی را توقیف می‌کند و بنی‌صدر در پاسخ مردم را به مقاومت و حضور در صحنه فرامی‌خواند و از ایشان می‌خواهد تا هر یک، یک روزنامه انقلاب اسلامی باشند تا در برابر انحصارطلبان و زورگویان بایستند و نگذارند که انقلاب ضداستبدادی و آزادی‌خواهانه‌شان به دست ایشان تصاحب شود.^{۶۴} آیت‌الله در ۲۰ خرداد با صدور فرمانی بنی‌صدر را از مقام جانشینی فرماندهی کل قوا عزل می‌کند.^{۶۵} هم‌زمان با

تظاهرات مخالفان وضع موجود که براساس فراخوان جبهه ملی و همراهی گروه‌هایی چون سازمان مجاهدین خلق در ۲۵ خرداد گردهم آمده بودند، آیت‌الله خمینی جبهه ملی را مرتد اعلام کرده و از بنی‌صدر می‌خواهد مسیر خود را جدا کند.^{۶۶} بنی‌صدر اما به ماندن سمت مخالفان نیروهای باورمند به اسلام‌گرایی فقاهتی ادامه می‌دهد. او در نامه‌ای که به امام می‌نویسد به ایشان می‌گوید که او رئیس‌جمهور همه مردم است و باید امکان اعتراض به همه احزاب و گروه‌ها داده شود.^{۶۷} طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در ۳۰ خرداد در مجلس مصوب می‌شود،^{۶۸} آیت‌الله خمینی در ۳۱ خرداد بنی‌صدر را از ریاست‌جمهوری معزول می‌کند^{۶۹} و دادستان کل انقلاب در ۱ تیر فرمان دستگیری بنی‌صدر را صادر می‌نماید.^{۷۰} دومین مرحله تحقق شکل‌گیری دولت با ناممکن شدن ریاست‌جمهوری غیرفقاهتی صورت می‌گیرد.

بعد از عزل بنی‌صدر، امور مربوط به ریاست‌جمهوری تا انتخابات جدید زیر نظر سه قوه اداره می‌شود.^{۷۱} رؤسای سه قوه شورای ریاست‌جمهوری تشکیل می‌دهند و در جلسه ۳ تیر اعلام می‌کنند که انتخابات ریاست‌جمهوری ۲ مرداد برگزار می‌شود و در این لحظه تاریخی می‌بایست به استناد اصل ۱۳۰ قانون اساسی نامه‌ای به شورای نگهبان نوشته شود که طبق اصل ۹۹، نظارت بر انتخاب رئیس‌جمهور را برعهده گیرد. این نخستین بار است که شورای نگهبان وظیفه بازرسی و تعیین صلاحیت را عهده‌دار می‌شود.^{۷۲} در آغاز دوره دوم انتخابات ریاست‌جمهوری از سوی هواداران خط امام سه اتفاق مهم رخ می‌دهد: (۱) رئیس‌جمهور می‌بایست «خط» امامی باشد؛ (۲) شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری یک تکلیف شرعی از سوی آیت‌الله خمینی و پیروانش در قوای حاکم انگاشته می‌شود؛ (۳) رئیس‌جمهور مقامی تشریفاتی است و اگر بخواهد گمان برد که شخص اول مملکت است، دیکتاتوری ظهور می‌کند و رئیس‌جمهور شاه

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
می‌شود.^{۷۳} برای نخستین بار پیش از انتخابات در نماز جمعه‌ها رئیس‌جمهور آینده از
پیش مشخص است و انتخابات یک تکلیف فرض می‌شود.^{۷۴} شورای نگهبان از بین ۷۱
نفر که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت نام کرده بودند، چهار نفر را تأیید صلاحیت
می‌کند: محمدعلی رجایی، عباس شیبانی، علی اکبر پرورش، و حبیب‌الله عسگر
اولادی.^{۷۵} همه احزاب و گروه‌های باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی از ریاست‌جمهوری
محمدعلی رجایی حمایت می‌کنند، چراکه او در خط امام امت است و انتخابش
وظیفه‌ای دینی است.^{۷۶} رجایی نیز پیش از برگزیده شدن در مصاحبه‌ای مطبوعاتی بیان
می‌کند که رئیس‌جمهور از حیث قانونی مقامی محدود است و تنها نقش هماهنگ‌کننده
را دارد و او می‌خواهد رئیس‌جمهوری را که از نظر قانونی محدود است، تحقق بخشد.^{۷۷}
در ۵ مرداد ۱۳۶۰ آراء رجایی، نخست‌وزیر پیشین مورد توافق نیروهای خط امام، ۱۳
میلیون اعلام شده و درحالی‌که هنوز رئیس‌جمهور در مجلس سوگند یاد نکرده و مراسم
تنفیذ نیز اجرا نشده، نخست‌وزیری باهنر قطعی اعلام می‌شود.^{۷۸} حزب با نشانند
محمدجواد باهنر، دبیرکل حزب بعد از بهشتی، در مقام نخست‌وزیر توانست اقتدار خود
را درون قوه مجریه به نمایش بگذارد. از سوی دیگر کابینه نخست‌وزیر از سه گروه
سیاسی پیرو خط امام انتخاب شدند: حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.^{۷۹} آیت‌الله خمینی در مراسم تنفیذ رجایی او را مسئول
شکل دادن به دولتی برمی‌شمرد که مبنایش مستضعفان باشد و طبقه‌ای را که در طول
تاریخ به‌شمار نیامده‌اند، خدمت‌رسانی کند. آیت‌الله خطاب به رجایی می‌گوید که به این
۱۳ میلیون رأی غره نشود.^{۸۰}

در ۸ شهریور همان سال رجایی و باهنر با بمب‌گذاری سازمان مجاهدین خلق در
دفتر نخست‌وزیری کشته می‌شوند. در ۱۱ شهریور آیت‌الله مهدوی کنی، که از سوی

شورای موقت ریاست جمهوری به مجلس به‌عنوان نخست‌وزیر موقت معرفی می‌شود، از مجلس نیز رأی اعتماد می‌گیرد.^{۸۱} مجلس در ۱۲ شهریور نیز به کابینه او رأی اعتماد می‌دهد. مهدوی کنی اعلام می‌کند که برنامه‌های دولت ادامه کار دولت شهید باهنر است.^{۸۲} تحقق سومین دوره شکل‌گیری دولت با ساخت بدنه اجرایی تماماً فقهتی به پایان می‌رسد.

بنابر خاطرات هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله خمینی در سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری اجازه داد تا یک روحانی برای این سمت نامزد شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸، ص. ۲۲۱). از ۲۴ شهریور بررسی صلاحیت ۴۴ کاندیدای ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان آغاز می‌شود.^{۸۳} در ۲۹ شهریور اسامی کاندیداهای تأیید صلاحیت شده اعلام می‌شود که همگی آن‌ها عضو حزب جمهوری اسلامی و جمعیت مؤتلفه اسلامی‌اند: سیدعلی خامنه‌ای، مهدوی کنی، علی‌اکبر پرورش، دکتر غفوری، زواره‌ای^{۸۴}. در نهایت مهدوی کنی به‌نفع سیدعلی خامنه‌ای از انتخابات کناره‌گیری می‌کند و به این ترتیب همه احزاب اسلام‌گرای فقهتی، شامل جامعه روحانیت مبارز که مهدوی کنی را نامزد کرده بود، از سیدعلی خامنه‌ای دبیر کل وقت حزب جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.^{۸۵} بنابر آمار رسمی در ۱۱ مهر ۱۳۶۰ آیت‌الله خامنه‌ای با ۱۶ میلیون رأی، و عبور از رأی بنی‌صدر، انتخاب شد. در ۱۷ مهرماه رأی ملت به خامنه‌ای توسط امام تنفیذ می‌شود. آیت‌الله رسالت دوره خامنه‌ای را جز مسئله هماهنگی قوا، که پیش‌تر نیز برعهده رئیس‌جمهوری بوده است، آن می‌داند که «حزب‌الله را به جای احزاب و گروه‌های شیطان» بنشانند.^{۸۶}

با این حال با وجود یکپارچگی در ساخت قوه مجریه بین احزاب و گروه‌های باورمند به اسلام‌گرایی فقهتی نخستین اختلاف بر سر انتخاب نخست‌وزیر بروز می‌کند.

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

نخست‌وزیر موردنظر رئیس‌جمهور، علی اکبر ولایتی، نمی‌تواند از مجلس رأی اعتماد بگیرد^{۸۷} و جناح چپ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که هنوز به این عنوان شناخته نمی‌شد، موفق شد تا میرحسین موسوی را به عنوان نامزد مطلوب خود به رئیس‌جمهور تحمیل کند. میرحسین موسوی با ۱۱۵ رأی موافق، ۴۸ رأی مخالف و ۳۰ رأی ممتنع از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد.^{۸۸} بنابر گفته علی‌اکبر محتشمی‌پور، وزیر کشور دوره دوم نخست‌وزیری موسوی، بعد از تابستان ۱۳۶۰ و در واقع بعد از آیت‌الله بهشتی، حزب جمهوری اسلامی نیز به دو دسته تقسیم شد: دسته اول که تحصیل‌کردگان حزب بودند گرایش‌های چپ‌گرایانه داشتند و دسته دوم که به بازاری‌ها نزدیک بودند، از حیث اقتصادی راست و نزدیک به مؤتلفه به‌شمار می‌رفتند که پیوند مستحکمی با رهبری جامعه روحانیت مبارز داشت (محتشمی‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۲۸). در این میان رئیس‌جمهور نماینده جناح راست و نخست‌وزیر نماینده جناح چپ بود.

مهم‌ترین تنش در دوره چهارم شکل‌گیری دولت به فهم نیروهای باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی از جایگاه حکم اولیه و ثانویه برمی‌گشت. قوانینی که در مجلس مصوب می‌شد، از سوی شورای نگهبان به‌علت عدم تطابق با شرع رد می‌شد. غالباً نیز پای مسئله مالکیت و رعایت حدود آن که جزو احکام اولیه به‌شمار می‌رفت، در میان بود. در ۱۹ مهر ۱۳۶۰ در پاسخ به درخواست رئیس مجلس شورای اسلامی، امام با استفاده از «اصل ولایت فقیه» اختیارات تازه‌ای به مجلس می‌دهد، به این ترتیب که هرگاه ضرورت حفظ و صلاح جامعه اسلامی اقتضا کند و این امر را دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی تشخیص دهند، یک حکم اولیه در قانون‌گذاری می‌تواند جای خود را بنابر مدتی معین و محدود به حکم ثانویه دهد.^{۸۹}

هیئت دولت به همراه متحدانش در مجلس با اهمیتی که رسیدگی به مستضعفان برای نظام اسلامی داشت، همه تلاشش را می‌کرد تا قوانینی چون لایحه لغو مالکیت اراضی، لایحه موجر و مستأجر، لایحه بازرگانی خارجی و همه لوایح و طرح‌هایی این‌چنینی را به‌واسطه بهره‌گیری از معنای حکم اولیه به پیش ببرد که در شورای نگهبان به بن‌بست خورده بود.^{۹۰} با این حال فقهای شورای نگهبان چندان موافقتی بر این امر نداشتند که (۱) آیا ضرورت را نمایندگان مجلس می‌توانند تشخیص دهند؛ (۲) آیا حکم ثانویه می‌تواند در قانون‌گذاری جای حکم اولیه را بگیرد و دست دولت به‌مثابه طرف سوم یک قرارداد در دادوستدهای اقتصادی باز و مالکیت فردی تحت الشعاع آن واقع شود.^{۹۱} این دو مسئله سبب مخالفت شدید جناح راست به همراه شورای نگهبان با نخست‌وزیری میرحسین موسوی در دوره دوم ریاست‌جمهوری سیدعلی خامنه‌ای شد. تفاوتی که این دوره با دوره‌های قبل داشت در آن بود که از جهت همراهی و هماهنگی دولت با نهادهای انقلابی بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر اختلاف نظری وجود نداشت^{۹۲}، با این قید که رئیس‌جمهور نهادهای انقلابی را در راستای رفع استضعاف فرهنگی و نه اقتصادی می‌فهمید^{۹۳} و از اینجا مسیرش از نخست‌وزیر جدا می‌شد. دوره چهارم شکل‌گیری دولت با برجاماندن اختلاف بر سر جایگاه حکم در قوای حاکم به‌پایان می‌رسد.

چهارمین انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۵ مرداد ۱۳۶۴ برگزار می‌شود و رئیس‌جمهوری مجدد خامنه‌ای در ۲۷ مرداد مسجل می‌شود. خامنه‌ای با توجه به آنکه ۸۸ درصد آرای شرکت‌کنندگان را در انتخابات به خود اختصاص می‌دهد^{۹۴}، در پی آن برمی‌آید تا از ابهام اقتدار خود که در قانون اساسی ریشه دارد، جلوگیری کند و بگوید هیچ قید مصرحی برای او وجود ندارد که نخست‌وزیر و کابینه دل‌خواه خود را انتخاب

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
نکند (سیدجواد ورعی، ۱۳۸۵، صص. ۷۵۷-۷۵۸). باین‌حال، نظر رهبر انقلاب، آیت‌الله
خمینی، نسبت به میرحسین موسوی مثبت است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۹).
رئیس‌جمهور ناگزیر می‌شود در ۱۸ مهر ۱۳۶۴ میرحسین موسوی را مجدد به عنوان
نخست‌وزیر به مجلس معرفی کند.^{۹۵} پس از آنکه آیت‌الله در پاسخ به نامه ۱۳۵ نفر از
نمایندگان مجلس نظر خود را نسبت به موسوی مثبت اعلام می‌کند^{۹۶}، ۹۹ نفر از
نمایندگان مجلس، متعلق به جناح راست، هم‌چنان به موسوی رأی اعتماد نمی‌دهند و
نظر امام را ارشادی می‌خوانند.^{۹۷} به این ترتیب در دوره دوم ریاست‌جمهوری هم‌چنان
اختلاف بر سر شیوه قانون‌گذاری و نحوه اداره امور ادامه می‌یابد تا آنکه سال ۱۳۶۶ فرا
می‌رسد.

لایحه قانون کار در بن‌بست شورای نگهبان است. ابوالقاسم سرحدی‌زاده، وزیر کار
چپ‌گرای کابینه در آذر ۱۳۶۶ از امام استفتا می‌کند که آیا دولت این قدرت را دارد تا
روابط کار را ملتزم کند یا خیر. سرحدی‌زاده در واقع می‌خواست به‌واسطه استفتا از
آیت‌الله خمینی از فرایند زمان‌بر تصویب لایحه قانون کار بیرون بزند که از سوی شورای
نگهبان به مجلس عودت داده شده بود. رهبر انقلاب در پاسخ به استفتای سرحدی‌زاده،
حق دولت برای وضع شروط را مجاز می‌شمرد.^{۹۸} در ۲۶ آذر لطف‌الله صافی، دبیر
شورای نگهبان، نامه‌ای به آیت‌الله می‌نویسد تا از حدود اختیارات دولت در بخش‌های
اجتماعی، اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی بپرسد. لطف‌الله صافی در این نامه می‌نویسد
که با توجه به استفتای وزیر کار در ۱۶ آذر، دولت برای خود مجاز می‌داند که در انواع
و اقسام کارها که مردم در استفاده از آنها مضطربند و این خدمات منحصر به آن شده،
سیاست‌های عام و کلی وضع کند و افعال و تروک مباحه شرعیه را تحریم یا الزام کند.
از دید وی این نگرانی وجود دارد که نظامات اسلام از مزارعه، اجاره، تجارت، عائله و

سایر روابط در معرض منع و تعویض و تغییر قرار بگیرند. صافی از آیت‌الله می‌خواهد تا در این باره نظر دهند.^{۹۹} آیت‌الله در پاسخ سمت دولت می‌ایستد و همه آنچه را تحت سلطه حکومت است تحت عنوان «انفال» قرار می‌دهد و دست دولت را به مثابه نماینده حکومت در اجرای شرط باز می‌گذارد و در نهایت از آقایان می‌خواهد که به شایعات این و آن، که مخالف نظام جمهوری اسلامی‌اند، توجه نکنند (همان). رئیس‌جمهور از پی این پاسخ در پی تخفیف نگرانی‌های شورای نگهبان برمی‌آید و در ۱۱ دی در خطبه‌های نماز جمعه وقت تهران، شرط الزام کارفرما را در چارچوب احکام اولیه اسلام برمی‌شمرد. در واقع او می‌خواهد همه قوانین را بسته به احکام اولیه بخواند (Mallat, 1993, p.90). آیت‌الله در پاسخی که به ۱۶ دی به سخنان رئیس‌جمهور در نماز جمعه می‌دهد، تفسیری بدیع از جایگاه حکومت اسلامی ارائه می‌کند. او خود حکومت اسلامی را شعبه‌ای از حکومت رسول‌الله و از احکام اولیه می‌شمارد. به این ترتیب حفظ حکومت بر همه قوانین شرعی اولویت پیدا می‌کند و ولایت فقیه خود یک حکم اولیه می‌شود و بنابراین جدال میان حکم ثانویه و حکم اولیه خاتمه می‌گیرد.^{۱۰۰}

از پی این تفسیر بدیع، نهاد دیگری برای تشخیص ضرورت به نام شورای تشخیص مصلحت نظام در ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ بنا بر فرمان آیت‌الله خمینی شکل می‌گیرد که وظیفه‌ای را که پیش‌تر به مجلس سپرده شده بود، عهده‌دار می‌شود. در این شورا فقهای شورای نگهبان، وزیر مربوط (بنا بر موضوع مناقشه)، سران سه قوه و دو نماینده از رهبری حاضرند.^{۱۰۱} با این حال جدال میان نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور خاتمه نمی‌یابد. هم‌زمان با لزوم گرفتن رأی اعتماد هیئت دولت از مجلس سوم شورای اسلامی، نخست‌وزیر در ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ از سمت خود استعفا می‌دهد. در میانه مذاکرات صلح، این امر لطمه بزرگی به نظام به‌شمار می‌آید. آیت‌الله خمینی از این امر بسیار برآشفته می‌شود و

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

بازگشت موسوی را به سمت‌اش در شکل یک «حکم» عرضه می‌کند.^{۱۰۲} میرحسین موسوی بدون آنکه بتواند امتیازی به‌دست آورد، استعفایش را پس می‌گیرد و به سمت خود در پی حکم آیت‌الله باز می‌گردد.^{۱۰۳}

اختلافات حل‌ناشدنی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و ابهام اقتدار این دو از یک‌سو، و از سوی دیگر ابهام چگونگی انتخاب ولی فقیه بعد از برکنارشدن آیت‌الله منتظری و ابهام جایگاه ولایت فقیه در نسبت با دیگر قوا (اینکه پیام‌های ایشان ارشادی‌اند یا در مقام حکم لازم‌العمل)، در کنار لزوم ایجاد تمرکز بیشتر در اداره صدا و سیما و قوه قضائیه، موجب می‌شود تا آیت‌الله خمینی دستور تدوین متمم قانون اساسی را به رئیس‌جمهور در ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ صادر کند.^{۱۰۴}

شورای بازنگری بنا بر دستور خود آیت‌الله خمینی قید مرجعیت را از اصل ۱۰۷ و روی‌آوری اکثریت مردم را از اصول ۵ و ۱۰۷ از قیود انتخاب ولی فقیه حذف می‌کند (صورت مشروح مذاکرات بازنگری، ۱۳۸۱، ج ۲). اصل ۱۱۲ که مرتبط با مجمع تشخیص مصلحت نظام است، در متن قانون مصوب می‌شود. اعضای این مجمع را رهبری خود انتخاب می‌کند. قید مطلقه به ولایت امر در اصل ۵۷ قانون اساسی افزوده می‌شود و به این ترتیب قوای سه‌گانه تحت ولایت مطلقه امر قرار می‌گیرند (همان، جلد ۳).

وظیفه تنظیم قوای سه‌گانه از اصل ۱۱۳ قانون اساسی کسر و به اصل ۱۱۰ قانون اساسی افزوده می‌شود تا نقش دیگری از مقام رئیس‌جمهوری کاسته شود. شورا در نهایت بین حذف سمت ریاست‌جمهوری یا نخست‌وزیری برای از بین بردن تنش اقتدار در قوه مجریه، به‌علت اهمیت برگزاری انتخابات، هرچند محدود و کنترل‌شده، سمت ریاست‌جمهوری را نگه می‌دارد (همان، ج ۱). به این ترتیب هرچند تنش درون بدنه اجرایی دولت کاهش می‌یابد، اما هم‌چنان رئیس‌جمهور در مقابل مجلس ضعیف است و توانایی عدم اجرای مصوبه‌ای از

مجلس را ندارد و همین‌طور «قوه مجریه» را با ولایت مطلقه امر بنابر اصل ۶۰ شریک است و بنابر اصل ۵۷ تحت ولایت مطلقه امر قرار دارد.

در ۶ مرداد ۱۳۶۸ انتخابات پنجمین دوره ریاست‌جمهوری هم‌زمان با انجام همه‌پرسی برگزار می‌شود. در ۸ مرداد اعلام می‌شود که هاشمی رفسنجانی با به دست آوردن حدود ۹۴ درصد آرا رئیس‌جمهور شده است و اصلاحیه قانون اساسی نیز با حدود ۹۸ درصد آرا رأی مثبت گرفته است.^{۱۰} در ۱۱ مرداد، پس از تأیید نتایج انتخابات و همه‌پرسی توسط شورای نگهبان، مقام رهبری اصلاحات قانون اساسی را با «نقش» رئیس‌جمهوری و براساس اصل ۱۲۳ قانون اساسی برای اجرا به وزیر کشور «ابلاغ» کرده و سپس از مقام ریاست‌جمهوری خود استعفا می‌دهد.^{۱۱} آنگاه در ۱۲ مرداد ماه آیت‌الله خامنه‌ای، این بار در مقام رهبری، حکم ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی را تنفیذ می‌کند.^{۱۲}

تحلیل تجربی علی

در تحلیل بین‌دوره‌ای هر کدام از واحدهای تحلیل به‌عنوان یک کل با دیگری مقایسه می‌شود. در تحقیق حاضر پنج دوره تاریخی مبتنی بر وجود پنج بدنه اجرایی دولت، هر کدام یک واحد تحلیل‌اند. با هدف مقایسه واحدهای تحلیل چهارگانه، جدول ارزش زیر ارائه شده است. حضور و غیاب هر کدام از شروط علی در این تحقیق، براساس مفاهیم تئوری تحقیق صورت می‌پذیرند. معرف‌های ناظر بر حضور و غیاب هر کدام از شروط علی و نتیجه با استفاده از روش تاریخی روایتی به‌دست آمده‌اند.

جدول ۱ براساس ارزش‌های ۰، ۱ و ۲ کدگذاری شده است. ۰ دلالت بر غیاب دارد، ۱ دلالت بر حضور محدود، نامؤثر و کم‌توان می‌کند و ۲ دلالت بر حضوری مؤثر دارد. هرچند از آنجایی که مطالعه ما کیفی است، این شدت‌ها بر طیفی قرار گرفته‌اند که از تحلیل درون‌موردی و روایت تاریخی برمی‌آید.

جدول ۱. جدول ارزش با پنج شرط علی

دوره‌ها	عاملیت کاریزما حاکم (A)	منابع ساختاری (B)					عاملیت کنشگران سیاسی (C _۱)			عاملیت کنشگران اجتماعی (C _۲)			شبکه‌های اجتماعی (D)			ساخت دولت تام کیفی
		B	B	B	B	B	C _{۱۱}	C	C	C	C	C	D _۱	D _۲	D _۳	
		۱	۲	۳	۴	۵	۱	۱۲	۱۳	۲۱	۲۲	۲۳				
دوره اول	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱
دوره دوم	۱	۲	۲	۲	۲	۰	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱
دوره سوم	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۲
دوره چهارم	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۱	۰	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۲
دوره پنجم	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۰	۱	۱	۲	۲	۰	۲	۲

توضیح جدول: B: منابع ساختاری؛ B_۱: قانون اساسی، B_۲: قوه مجریه، B_۳: قوه مقننه، B_۴: قوه قضاییه، B_۵: بازنگری قانون اساسی. C: عاملیت کنشگران سیاسی؛ C_{۱۱}: کنشگران سیاسی باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی، C_{۱۲}: کنشگران سیاسی باورمند به اسلام‌گرایی غیرفقهاتی (نیروهای هوادار بنی‌صدر، اعضای نهضت آزادی)، C_{۱۳}: کنشگران سیاسی ملی‌گرا. C_۲: عاملیت کنشگران اجتماعی؛ C_{۲۱}: راهپیمایی‌ها و میتینگ‌ها، C_{۲۲}: انتخابات‌ها، C_{۲۳}: شرکت در نماز جمعه‌ها. D: شبکه‌های اجتماعی؛ D_۱: احزاب و گروه‌های باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی، D_۲: احزاب و گروه‌های باورمند به غیراسلام‌گرایی فقهاتی (اعم از چپ‌گرایان، ملی‌گرایان، اسلام‌گرایان غیرفقهاتی)، D_۳: نهادهای انقلابی.

مدعای نظری این تحقیق آن است که شکل‌گیری دولت از طریق ترکیب شروط علی عاملیت کاریزما - حاکم، منابع ساختاری، عاملیت کنشگران سیاسی، عاملیت کنشگران اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی رخ می‌دهد. براساس مدل نظری این تحقیق در ترکیب شروط علی گفته‌شده الگویی از رابطه میان عاملیت‌ها شکل می‌گیرد که به شکل‌گیری دولت تام کیفی یا دموکراتیک منجر می‌شود. شواهد تاریخی موجود در جدول ارزش ۱ دلالت بر آن دارد هر چقدر از دو دوره اول و دوم شکل‌گیری دولت

فاصله گرفته شده، از امکان شکل‌گیری دولت دموکراتیک (حضور قدرت‌مند احزاب، امکان مشارکت کنشگران سیاسی در عرصه شکل‌گیری دولت) کاسته شده است. در دوره پنجم احزاب غیرباورمند به اسلام‌گرای فقهاتی هم در مجلس شورای اسلامی (مجلس سوم) و هم در پنجمین انتخابات ریاست‌جمهوری (رد صلاحیت مهدی بازرگان به دلیل عدم التزام عملی به ولایت فقیه)، حذف شده‌اند. با بازنگری در قانون اساسی فرایند شکل‌گیری دولت تام‌کیفی کامل شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در فرایند شکل‌گیری دولت نهادهای انقلابی قدرت‌مندند، حتی احزاب ولایت‌محور نیز نوعی نهاد انقلابی تلقی می‌شوند که رابطه‌ای عمودی با کاریزما - حاکم برقرار می‌کنند، عاملیت کنشگران اجتماعی به شکل تظاهرات‌ها و انتخابات‌های کنترل‌شده با توان اثرگذاری محدود و مقید نمود می‌یابد، جز کنشگران سیاسی باورمند به اسلام‌گرایی فقهاتی دیگر کنشگران سیاسی از مسیر مشارکت در فرایند شکل‌گیری دولت و عضویت در منابع ساختاری، قوای حاکم، محروم می‌مانند. بر مبنای شواهد تجربی ارائه‌شده در جدول ارزش، معادله ترکیب شروط علی شکل‌گیری دولت بدین شرح است:

Outcome₁₂: (ضعف ساخت دولت تام‌کیفی و تلاش برای رسیدن به ساخت دولت):

$$F(AB_2C_{11}C_{12}C_{13}C_{21}C_{22}C_{23}D_1D_2) = \text{دموکراتیک}$$

Outcome_{۳۴۵}: (قدرت گرفتن ساخت دولت تام‌کیفی و عدم تحقق ساخت دولت)

$$F(AB_1B_2B_3B_4B_5C_{11}C_{21}C_{22}C_{23}D_1D_3) = \text{دموکراتیک}$$

در این دو گزاره منطقی علامت ضرب اشاره به «و منطقی» دارد. گزاره اول دال بر آن است که مسیر شکل‌گیری دولت تام‌کیفی در دوره اول و دوم با وجود احزاب

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار

اسلام‌گرای غیرفقه‌گرای و ملی‌گرایان در مسیر شکل‌گیری دولت (حضور در قوه مجریه و مقننه)، امکان مشارکت گسترده کنشگران اجتماعی نسبت به دوره‌های بعد و همین‌طور ضعف نهادهای انقلابی در نسبت با دوره‌های بعد، با شتاب پیش نمی‌رود. در این میان تنش‌ها و جدال‌هایی درمی‌گیرد که آیت‌الله خمینی به‌عنوان یک کاریزما - حاکم این تنش‌ها را به نفع کنشگران سیاسی و احزاب باورمند به اسلام‌گرایی فقه‌گرای و نهادهای انقلابی هدایت می‌کند. به همین دلیل در پایان دوره دوم و هم‌زمان با عزل بنی‌صدر، کنشگران سیاسی غیرباورمند به اسلام‌گرایی فقه‌گرای امکان مشارکت در قوه مجریه را از دست می‌دهند، با این حال جلوگیری از احزاب اسلام‌گرای غیرفقه‌گرای برای ورود به مجلس هم‌زمان با انتخابات سوم مجلس شورای اسلامی^{۱۰۸}، در دوره پنجم، صورت می‌گیرد. به همین دلیل و هم‌زمان با حذف بازرگانان از پنجمین انتخابات ریاست‌جمهوری حضور «حتی» نیروهای اسلام‌گرای غیرفقه‌گرای در مسیر شکل‌گیری دولت به بن‌بست می‌خورد. در دو دوره اول علاوه بر آنکه همه کنشگران اجتماعی امکان حضور در خیابان را دارند و به تظاهرات و راهپیمایی می‌پردازند، صحبت از حق‌رفراندوم و رجوع به آرای مردم هم در صحنه سیاسی حاضر است و هم در متن قانون اساسی هنوز یکی از اختیارات رهبری به‌شمار نمی‌رود. بنابراین در کنار تلاش برای برگزاری انتخاباتی حداکثری، اهمیت رفراندوم نیز وجود دارد. در دوره پنجم که از پی‌دوره‌های سوم و چهارم می‌آید، هم انتخابات و حضور مردم در راهپیمایی‌ها کنترل‌شده‌تر است و هم حق رفراندوم در بازنگری قانون اساسی از اختیارات رهبری می‌شود. در عین آنکه نهادهای انقلابی متکثرتر شده و قدرت بیشتری در نسبت با بدنه اجرایی دولت یافته‌اند. بدین طریق دولت تام‌کیفی «مردم کنترل‌شده» خود را می‌سازد. بدین طریق دولت تام‌کیفی نه‌تنها در منابع ساختاری، قوای حاکم، از شبکه‌سازی

اجتماعی و عاملیت کنشگران سیاسی غیرباورمند و «ملتزم» به اسلام‌گرایی فقاهتی جلوگیری می‌کند، بلکه مداوماً «مردم کنترل‌شده» خود را بازتولید می‌کند. با این حال این دولت تام کیفی از آن جایی که دو بدنه اجرایی هم‌زمان دارد برای این تحقیق تحت عنوان دولت تام کیفی دوگانه مفهوم‌پردازی می‌شود.

نتیجه

براساس یافته‌های تجربی می‌توان گفت که در دو دوره نخست شکل‌گیری دولت امکان حرکت به سمت شکل‌دهی به دولتی دموکراتیک بیش از سه دوره بعد مهیا بوده است. درباره دلالت نظری این متن می‌توان گفت که عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی عمودی و مبتنی بر رابطه سلسله‌مراتبی با کاریزما - حاکم موجب فعال شدن عاملیت کنشگران سیاسی فقاقت‌محور می‌شود، به این ترتیب که می‌توانند در ساخت دولت مشارکت کنند. از سوی دیگر دولت تام کیفی به ما نشان می‌دهد که دولت بعد از انقلاب ۱۳۵۷ هرگز به تمامی بوروکراتیزه نمی‌شود، بلکه به واسطه مداخلات تصمیم‌گیرانه کاریزما - حاکم همواره امکان برهم‌خوردن قوانین روزمره و عادی، بنابر منطق حکم، وجود دارد. با این حال از آن جایی که بدنه اجرایی این دولت دوگانه است، در ایران پس از انقلاب با شکل‌گیری دولت تام کیفی دوگانه روبه‌رو هستیم.

درباره دلالت عملی این متن می‌توان گفت که تا زمانی که شبکه‌های اجتماعی افقی نهادینه نشده است و امکان مشارکت همه گروه‌ها و احزاب سیاسی در دولت فراهم نباشد، روزنامه‌ها و احزاب مخالف آزاد نباشند، حرکت به سمت دولت دموکراتیک دشوار خواهد بود. براساس شواهد موجود باید گفت مشکل دوگانگی بدنه اجرایی دولت پایه در خود قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد. تنش میان هر دو بدنه اجرایی

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... _____ علی ساعی و همکار
دولت که در دهه‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷ شروع شده است، ادامه‌دار است. بنابراین
مسیر حرکت به سمت دولتی دموکراتیک از مسیر اصلاحات ساختاری در قانون اساسی
می‌گذرد.

پی‌نوشت‌ها

1. state formation
2. apparatus
3. duality of the executive body
4. embedded
۵. احزاب و گروه‌هایی که باورمند به نقش قانون‌گذارانه ولی فقیه بودند، خود را طرفدار اسلام فقهاتی می‌نامیدند (ر.ک: نامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به امام خمینی درباره اختلاف‌افکنی‌های جریان بنی‌صدر در rafsanjani.ir).
۶. شبکه‌های اجتماعی دو نوع‌اند: افقی و عمودی. شبکه‌های افقی مانند NGO و شبکه‌های عمودی مانند روابط حامی - کارگزار است. در شبکه‌های افقی شهروندان با قدرت برابر عضویت دارند، درحالی‌که در شبکه عمودی، شهروندانی نابرابر از طریق روابط نامتقارن مبتنی بر سلسله‌مراتب و وابستگی به هم پیوند دارند (Putnam, 1993).
7. strategic choices
۸. احزابی چون حزب توده ایران و چریک‌های فدایی اکثریت (بعد از انشعاب) از آنجایی که موضعی میانه داشتند و در تنش‌ها در مسیر شکل‌گیری دولت مشارکت نمی‌کردند، مواضعشان از اهمیت چندانی در پیش‌برد تنش‌ها برخوردار نیست.
۹. امام، کوشش کنید خدمت برای مستضعفین باشد و نه برای هوای نفسانی، اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۵۹، ص ۱۲.
۱۰. احزاب اسلام‌گرای فقهاتی نیز به‌منابۀ یک نهاد انقلابی تلقی می‌شدند.
11. set relation
12. the analysis of Set relations
13. subset
۱۴. در باب شرط لازم و شرط کافی ر.ک: Ragin, 2008؛ ساعی، ۱۳۹۲
15. multiple conjunctural causation
16. the same or specific outcome

- 17. conjunctural
- 18. historical narrative analysis
- 19. political trajectories

- ۲۰. ر.ک: کیهان، ۲۱ دی ۱۳۵۷، صص ۱ و ۲، ش ۱۰۶۸.
- ۲۱. ر.ک: کیهان، ۲۳ دی ۱۳۵۷، صص ۲ و ۳، ش ۱۰۶۱۰.
- ۲۲. «فرمان نخست‌وزیری مهدی بازرگان»، آیندگان، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷، ص ۲، ش ۳۲۸۲.
- ۲۳. ر.ک: آیندگان، ۱۹ بهمن ۱۳۵۷، ص ۱، ش ۳۲۸۴.
- ۲۴. ر.ک: آیندگان، ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، ص ۱ و ۲، ش ۳۲۸۷.
- ۲۵. ر.ک: آیندگان، ۲۱ اسفند ۱۳۵۷، ص ۱، ش ۳۳۱۰ و آیندگان، ۷ فروردین ۱۳۵۸، ص ۳، ش ۳۳۱۸.
- ۲۶. ر.ک: آیندگان، ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، ص ۱ و ۲، ش ۳۳۲۰.
- ۲۷. ر.ک: گفت‌وگوی اطلاعات با دکتر بهشتی، اطلاعات، ۱۰ آذر ۱۳۵۸، ص ۲.
- ۲۸. ر.ک: آیندگان، ۲۰ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۲۷۱.
- ۲۹. در ۲۲ خردادماه پیرامون نظرخواهی آیندگان از تنی چند از مسئولان و صاحب‌نظران، ابوالفتح بنی‌صدر دادستان کل کشور اعلام می‌کند که «دولت در مقابل عمل انجام‌شده قرار گرفته است» (ر.ک: آیندگان، ۲۲ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۳۷۳).
- ۳۰. ر.ک: آیندگان، ۲۶ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۳۷۶.
- ۳۱. ر.ک: آیندگان، ۲۱ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۳۷۲؛ آیندگان، ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۳۷۴؛ آیندگان، ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۳۷۷.
- ۳۲. امام خمینی، ما قانون اساسی اسلام را می‌خواهیم، ۲۸ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱، ش ۳۳۷۸.
- ۳۳. ر.ک: آیندگان، ۱۲ و ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، صص ۱ و ۲.
- ۳۴. ر.ک: اطلاعات، ۲۳ مرداد ۱۳۵۸، ص ۲.
- ۳۵. ر.ک: اطلاعات، ۲۵ مرداد ۱۳۵۸، ص ۱.
- ۳۶. ر.ک: اطلاعات، «متن فرمان امام به شورای انقلاب»، ۱۵ آبان ۱۳۵۸، ص ۱.
- ۳۷. برای مثال ر.ک: «۷ پیشنهاد جبهه ملی»، اطلاعات، ۳ آبان ۱۳۵۸، ص ۲.
- ۳۸. «دیدار کادر برگزارکننده همه پرسى قانون اساسى با امام خمینی»، اطلاعات، ۲۴ آذر ۱۳۵۸، ص ۲.

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... _____ علی ساعی و همکار

۳۹. «شرایط تبلیغات کاندیدای ریاست‌جمهوری»، اطلاعات، ۲۹ آذر ۱۳۵۸، ص ۱.
۴۰. «مسعود رجوی از دور مبارزات خارج شد»، اطلاعات، ۳۰ دی ۱۳۵۸، ص ۱۰.
۴۱. صحیفه امام، جلد ۱۲: ص ۱۳۹.
۴۲. ر.ک: اطلاعات، ۱۳ اسفند ۱۳۵۸، ص ۱۱.
۴۳. صحیفه امام، جلد ۱۲: ص ۳۴۳.
۴۴. ر.ک: پیام جبهه ملی، ۱۷ فروردین ۱۳۵۹، ص ۳؛ مسعود رجوی، «ارزیابی نتایج انتخابات مجلس»، اطلاعات، ۲۴ فروردین ۱۳۵۹، ص ۴ و ۹.
۴۵. ر.ک: اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۵۸، ص ۱۲.
۴۶. «مبارزات انتخاباتی کاندیداها و گروه‌ها»، اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، ص ۱۱.
۴۷. فرمان امام برای انقلاب دوباره، «مجلس باید به دولت مکتبی، انقلابی و جوان رأی دهد»، اطلاعات، ۳۰ تیر ۱۳۵۹، ص ۱ و ۱۶.
۴۸. ر.ک: انقلاب اسلامی، ۵ مرداد ۱۳۵۹؛ انقلاب اسلامی، ۱۹ مرداد ۱۳۵۹.
۴۹. ر.ک: اطلاعات، ۲۰ مرداد ۱۳۵۹، ص ۱ و ۴.
۵۰. ر.ک: اطلاعات، ۲۰ شهریور ۱۳۵۹.
۵۱. «برنامه‌های دولت اعلام شد»، اطلاعات، ۱۱ شهریور ۱۳۵۹، ص ۱۶.
۵۲. بنی‌صدر، «مشخصه‌ی بارز حکومت توحیدی حکومت مردم مستضعف است»، اطلاعات، ۱۸ شهریور ۱۳۵۹، ص ۱۵-۱۶.
۵۳. بنی‌صدر، «ملت ما حاضر نیست شرایط دولت صدام را بپذیرد»، اطلاعات، ۲۹ آبان ۱۳۵۹، ص ۱۲ و ۲.
۵۴. برای نمونه ر.ک: امام خمینی، «خود را حاکم مردم ندانید، خدمتگزار مردم بدانید»، اطلاعات، ۲۲ شهریور ۱۳۵۹، ص ۱۰.
۵۵. متن سخنان رئیس‌جمهوری در دانشگاه تهران، اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۵۹، ص ۱۱.
۵۶. ر.ک: صحیفه امام، جلد ۱۴: ۲۰۱.
۵۷. ر.ک: انقلاب اسلامی، ۱۴ خرداد ۱۳۶۰، ص ۸.
۵۸. کلیات لایحه حذف فرمان همایونی تصویب شد، اطلاعات، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، ص ۳.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۵۹. «دستورالعمل دادستانی کل انقلاب درباره فعالیت احزاب»، اطلاعات، ۲۰ فروردین ۱۳۶۰، ص ۲.
۶۰. شورای عالی قضایی برای تحقق حاکمیت قوانین الهی اسلام پافشاری خواهد کرد، اطلاعات، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰، ص ۲.
۶۱. ر.ک: انقلاب اسلامی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰، ص ۱۲.
۶۲. امام خمینی، «بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل بشود»، اطلاعات، ۷ خرداد ۱۳۶۰، ص ۱ و ۴.
۶۳. هیئت ۳ نفری حل اختلاف متخلفین از بیانیه ۱۰ ماده‌ای امام و قانون اساسی را معرفی کرد، اطلاعات، ۱۲ خرداد ۱۳۶۰، ص ۳.
۶۴. پیام رئیس‌جمهور، «مقاومت شما توطئه را در هم خواهد شکست»، انقلاب اسلامی، ۱۸ خرداد ۱۳۶۰، ص ۱.
۶۵. مطابق با خاطرات رفسنجانی، آیت‌الله به‌واسطه گفت‌وگوهایی که بهشتی و او صورت می‌دادند، قانع شد تا بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶).
۶۶. صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۶۰-۴۶۵.
۶۷. پاسخ رئیس‌جمهوری به سخنان آیت‌الله خمینی، مجاهد، ۲۸ خرداد ۱۳۶۰، ص ۲، ش ۱۲۶.
۶۸. ر.ک: اطلاعات، ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، ص ۱ و ۲.
۶۹. امام، کراراً به بنی‌صدر گفتم حسابت را از منافقین جدا کن، اطلاعات، ۱ تیر ۱۳۶۰، ص ۲.
۷۰. دادستان کل انقلاب دستور دستگیری بنی‌صدر را صادر کرد، اطلاعات، ۱ تیر ۱۳۶۰، ص ۲.
۷۱. ر.ک: اطلاعات، ۲ تیر ۱۳۶۰، ص ۲.
۷۲. «رئیس‌جمهوری جدید دوم مرداد انتخاب می‌شود»، اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۶۰، ص ۱۳.
۷۳. «تحلیل هاشمی از شاه‌زدایی، آمریکازدایی و منافق‌زدایی»، اطلاعات، ۳۱ مرداد ۱۳۶۰، ص ۴.
- امام نیز در دیدار با هیئت دولت باهنر تأکید می‌کند: «خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. اگر در ذهنتان بیاید که من وزیرم و باید مردم احترام کنند بدانید که اصلاح نشده‌ایم. آقای رئیس‌جمهور اگر در ذهنش خلجان کند که من شخص اول مملکت، اصلاح نشده است» (ر.ک: اطلاعات، ۲۹ مرداد ۱۳۶۰، ص ۱ و ۲).

- مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
۷۴. مشکینی، برای انتخاب رئیس‌جمهور بکوشید پای صندوق‌های رأی بروید، چون از واجبات است، اطلاعات، ۶ تیر ۱۳۶۰، ص ۴.
۷۵. ر.ک: اطلاعات، ۲۲ تیر ۱۳۶۰، ص ۱.
۷۶. ۷۱ نفر داوطلب ریاست‌جمهوری شدند، اطلاعات، ۱۸ تیر ۱۳۶۰، ص ۲.
۷۷. رجایی، چرا می‌خواهم رئیس‌جمهور شوم، اطلاعات، ۲۴ تیر ۱۳۶۰، ص ۱۳.
۷۸. ر.ک: اطلاعات، ۵ مرداد ۱۳۶۰، ص ۱.
۷۹. ر.ک: اطلاعات، ۵ مرداد ۱۳۶۰، ص ۱.
۸۰. امام، شما باید برای این مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده‌بودند، کار کنید، ۱۲ مرداد ۱۳۶۰، ص ۱۲.
۸۱. آیت‌الله مهدوی کنی نخست‌وزیر شد، اطلاعات، ۱۱ شهریور ۱۳۶۰، ص ۲.
۸۲. ر.ک: اطلاعات، ۱۲ شهریور ۱۳۶۰، ص ۲.
۸۳. ر.ک: اطلاعات، ۲۴ شهریور ۱۳۶۰، ص ۱.
۸۴. ر.ک: اطلاعات، ۲۹ شهریور ۱۳۶۰، ص ۱.
۸۵. «انتخابات چهره روشن‌تری به خود گرفت»، اطلاعات، ۱ مهر ۱۳۶۰، ص ۲.
۸۶. «امام رأی ملت به ریاست‌جمهوری خامنه‌ای را تنفیذ کرد»، اطلاعات، ۱۸ مهر ۱۳۶۰، ص ۲.
۸۷. ر.ک: اطلاعات، ۳۰ مهر ۱۳۶۰، ص ۱.
۸۸. ر.ک: اطلاعات، ۵ آبان ۱۳۶۰، ص ۱.
۸۹. امام با استفاده از اصل ولایت فقیه اختیارات تازه‌ای به مجلس دادند، اطلاعات، ۲۰ مهر ۱۳۶۰، ص ۲.
۹۰. تصویب لوایح زیادی بدین وسیله بلامانع خواهد بود، اطلاعات، ۲۰ مهر ۱۳۶۰، ص ۱.
- نکته مهم دیگر درباره مجلس آن بود که بعد از انتخابات دوم مجلس شورای اسلامی در ۱۲ تیر ۱۳۶۳ طرح دوفوریتی تک‌مرحله‌ای شدن انتخابات مجلس شورا مصوب می‌شود و در ۱۵ تیر نیز طرح با کسب یک سوم آرا مصوب می‌شود (ر.ک: کیهان، ۱۶ تیر ۱۳۶۳، ص ۶). علت دومرحله‌ای شدن انتخابات در اسفند ۱۳۵۸ بیم ورود توده‌ای‌ها، ملی‌گرایان و مجاهدین و چپ‌ها به مجلس خوانده می‌شود و در آن زمان که دیگر آن‌ها امکان هیچ فعالیت‌هایی ندارند، نیازی به دومرحله‌ای بودن وجود

- جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱
- ندارد (انتخابات نمایندگان مجلس به صورت یک مرحله‌ای برگزار خواهد شد، کیهان، ۱۶ تیر ۱۳۶۳، ص ۶.
۹۱. «امام: شورای نگهبان روی مواضع اسلام قاطع بایستند، اما در محدوده قانونی خود توقف کند»، کیهان، ۱۲ شهریور ۱۳۶۳، ص ۳.
۹۲. نخست‌وزیر، ۱۲ نهاد انقلابی با سازمان‌ها و مؤسسات دولتی هماهنگ می‌شوند، اطلاعات، ۲۳ فروردین ۱۳۶۱، ص ۱۳.
۹۳. ر.ک: رئیس‌جمهوری، «باید سعی کنید کارگر را از استضعاف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خارج کنید»، کیهان، ۱۷ دی ۱۳۶۰، ص ۲.
۹۴. از مجموع ۱۴ میلیون و ۲۰۰ هزار و ۲۹۷ رأی مأخوذه ۱۲ میلیون و ۱۶۴ هزار و ۳۶۶ رأی کسب می‌کند.
۹۵. «رئیس‌جمهور مهندس موسوی را به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد»، کیهان، ۱۸ مهر ۱۳۶۴، ص ۲.
۹۶. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۹: ۳۹۱-۳۹۳.
۹۷. اظهارات نمایندگان رامیان و اهواز در جلسه امروز مجلس پیرامون سخنان اخیر امام، کیهان، ۴ آذر ۱۳۶۵، ص ۲.
۹۸. صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۳۰.
۹۹. صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۳۵.
۱۰۰. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۵۲.
۱۰۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۶۳-۴۶۵.
۱۰۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲۴.
۱۰۳. ر.ک: تاریخ ایرانی.
۱۰۴. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۶۴.
۱۰۵. «هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور ایران شد/ اصلاحیه قانون اساسی با ۱۶/۵ میلیون رأی به تصویب ملت رسید»، کیهان، ۸ مرداد ۱۳۶۸، ص ۲، ش ۱۳۶۷۳

- مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
۱۰۶. وزیر کشور، «حکم ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی فردا توسط رهبر انقلاب تنفیذ می‌شود»، کیهان، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸، ص ۲، ش ۱۳۶۷۵.
۱۰۷. «گزارش مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری از سوی رهبر انقلاب»، کیهان، ۱۲ مرداد ۱۳۶۸، ص ۱، ش ۱۳۶۷۶.
۱۰۸. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۷۹-۴۸۱.

منابع

- بازرگان، ع. (۱۳۶۲). مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان. بی‌جا.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی). تهران: نشر نی.
- بهداروندیانی، غ.ر. (۱۳۹۸). تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیرحی، د. (۱۳۹۶). فقه و حکمرانی حزبی. تهران: نشر نی.
- ساعی، ع. (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی. تهران: آگه.
- ساعی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل توزیع منابع قدرت سیاسی در ایران با رویکرد نظری شبکه‌محور (مطالعه موردی اعضای دولت موقت تا دولت دوازدهم). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱، ۱۰۲-۶۹.
- ساعی، ع. (در حال چاپ). چرخش نخبگان قدرت در ایران، ۱۳۵۷-۱۳۹۸. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- شیرازی، ا. (۱۳۹۳). نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران: دین، قانون و مطلقیت قدرت. پاریس: کتاب چشم‌انداز (نشر اینترنتی).
- محتشمی‌پور، ع.ا. (۱۳۷۹). چندصدایی در جامعه و روحانیت. تهران: خانه اندیشه جوان.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد دوم: جلسه سی و دوم تا پنجاهم.

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد اول: جلسه اول تا سی و یکم

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، جلد سوم: جلسه پنجاه و یکم تا شصت و هفتم

صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد اول: جلسه اول تا چهاردهم.

صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد دوم: جلسه پانزدهم تا بیست و هشتم.

صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد سوم: بیست و نهم تا چهل و یکم.

ورعی، س.ج. (۱۳۸۵). مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی به روایت قانون‌گذار.

قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.

هاشمی رفسنجانی، ع.ا. (۱۳۷۸). عبور از بحران: کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰ هاشمی رفسنجانی.

تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

مطالعه فرایند شکل‌گیری دولت در عصر جمهوری اسلامی... ————— علی ساعی و همکار
هاشمی رفسنجانی، ع.ا. (۱۳۸۵). *انقلاب در بحران (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹)*. تهران:
دفتر نشر معارف انقلاب.
-صحیفه امام قابل دسترس در:
<http://www.imam-khomeini.ir/fa/page/۲۱۰/?kind=۲۷۹>

References

- Beetham, D. (1985). *Max Weber and the Theory of Modern Politics*. Cambridge: Polity Press.
- Jessop, B. (2016). *The State (Past, Present, Future)*. Polity Press: Cambridge.
- Lin, N. (1982). Social Resources and Instrumental Action. Pp. 131-45. in *Social Structure and Network Analysis*, ed. P. V. Marsden & N. Lin. Beverly Hills. CA: Sage
- Lin, N. (2005). A Network Theory of Social Capital. in *Handbook on Social Capital*, edited by Dario Castiglione. J. v. Deth & G. Wolleb. Oxford: University Press
- Lin, N., & Erickson, B. (2008). *Social Capital: An International Research Program*. New York: Oxford University Press Inc.
- Mallat, C. (1993). *The Renewal of Islamic Law: Mohammad Baqer as-Sadr, Najaf and the Shii International*. Cambridge and New York, Cambridge University Press.
- McCormick, J.P. (2016). Teaching in Vain: Carl Schmitt, Thomas Hobbes, and the Theory of the Sovereign State. in *The Oxford Handbook of Carl Schmitt*, ed. By Jens Meierhenrich and Oliver Simons, Oxford University Press.
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: civic traditions in modern Italy*. Princeton university press
- Ragin, Ch. (2008). *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy-Sets and Beyond*. Chicago.
- Ragin, Ch. C. & Rihoux, B. (2009). *Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis (QCA) and Related Techniques*. SAGE

- Schmitt, C. (1931). Die Wendung zum totalen Staat. In *Schmitt 1994*.
Schmitt, C. (1933). Weiterentwicklung des totalen Staates in Deutschland (January 1933), In *Schmitt 1994*.
Stolleis, M. (2004). *A History of Public Law in Germany 1914–1945*, Tr. T. Dunlap. Oxford: Oxford University Press.



Study on the State-formation in the era of the Islamic Republic (1979-1989), with emphasis on agency of Ayatollah Khomeini

Ali Saei*¹, Mahsa Asadollahnejad²

Received: 04/05/2021 Accepted: 30/05/2021

Abstract

In this article, the process of state-formation in the first decade of the Islamic Republic (1979-1989), based on leadership agency, has been studied. The claim of this research is that after the collapse of the previous legal order in 1979, the process of state-formation began with the focus on Ayatollah Khomeini's agency and the duality of the executive body was established in the constitution. The question of this article is as follows: "How was Ayatollah Khomeini's agency in the process of state-formation after the revolution in 1979?" According to the theoretical claim, this post-revolutionary state is compatible with the characteristics of a qualitative total state in which the possibility of bureaucratization, that is, the rule of law without personal interference, is minimized, and constant communication with society takes different forms. This text is methodologically based on a configurational approach in which historical data are analyzed at both case level and set relations level. Evidences show that in the first two periods of state-formation, the possibility of moving towards a democratic state with the participation of the majority of the forces involved in the revolution was greater than in later periods. After the revision of the constitution, the characteristics of a qualitative total state are complemented by the dual authority that emerges in the executive body itself.

Keywords: Qualitative total state; Agency of Political Actor; Agency of Social Actor; Agency of Charismatic Sovereign; Social Network; Configurational Approach.

1 Associate Professor of Political Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
*saeia@modares.ac.ir.

2 Phd student of Political Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
<https://orcid.org/0000-0001-8799-9264>



شرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی